

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

از دیروز اینترنت ۴۰ درصد گران شد

شوکه گرانی اینترنت

شعار انتخاباتی پزشکيان

دکتر مسعود پزشکيان:

از مردم، از دختران و از پسران ايران می پرسم،

آيا اوضاع اينترنت شما خوب است؟

pezeshkianpress

Eslahatnews

قیمت نفت

رکورد ۴ ساله را زد



دیروز قیمت نفت برنت به بیش از ۱۱۵ دلار رسید که بالاترین نرخ آن در ۴ سال اخیر است. این موج گرانی نفت، شدیدترین فشار را بر اقتصاد آمریکا وارد می کند. از این رو کارشناسان هشدار می دهند که هرگونه موضع مذاکره جویانه از سوی مقامات ایرانی در این شرایط کاملاً به نفع آمریکا و ترامپ است. بنابراین مسئولان دولت پزشکيان باید از هرگونه اظهارنظر درباره آمادگی برای مذاکره با آمریکا خودداری کنند تا فشار نفتی بر ترامپ به اوج خود برسد.

این افزایش در شرایط تشدید تنش های منطقه ای و نگرانی از امنیت انتقال نفت از تنگه هرمز رخ داده است. دونالد ترامپ مدعی شده ایران با انتشار اخبار مربوط به حمله به نفتکش ها و وجود مین های دریایی، به دنبال افزایش قیمت نفت است و حجم نفت عبوری از تنگه هرمز نیز از پیش از جنگ بیشتر شده است. در مقابل داده های شرکت اطلاعات دریایی لویدز لیست نشان می دهد عبور شناورهای غیرمرتبط با ایران از تنگه هرمز در فاصله ۱۳ تا ۱۹ مهر، نسبت به هفته قبل ۱۷ درصد کاهش داشته است.

تنگه هرمز پیش از جنگ محل عبور حدود یک پنجم تجارت جهانی نفت و گاز طبیعی مایع بوده است. از این رو، تداوم تنش های می تواند هزینه انرژی را برای خانوارها و کسب و کارهای آمریکایی افزایش دهد و برای دولت ترامپ، به ویژه در آستانه انتخابات میان دوره ای آمریکا، پیامد سیاسی داشته باشد.

رهبر ارکستر گرانی

تنظیم بازار

چقدر زیبا
آهنگ گرانی را
می نوازید قربان





افزایش کالابرگ را بادستمزد قاطی نکنید

گزارش

یکی از اعضای کارگري شورای عالی کار گفت: یارانه و کالابرگ، سیاست‌های حمایتي دولت هستند و نباید به‌عنوان بخشی از دستمزد کارگران محاسبه شوند یا بهانه‌ای برای منتهی کردن افزایش مزد قرار بگیرند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پس از حذف اثر ترجیحي و جایگزینی آن با کالابرگ یک میلیون توماني، بسیاری از کارشناسان نسبت به تناسب این مبلغ با افزایش قیمت کالاهای اساسي هشدار دادند و تأکید کردند که اعتبار از نظر گرفته‌شده نمي‌تواند به‌تنهایی جبران‌کننده افزایش هزینه‌های خانوار باشد. دولت نیز در مقابل اعلام کرد که مبلغ کالابرگ ثابت نخواهد ماند و متناسب با شرایط افزایش پیدا می‌کند. اکنون قرار است، ۵۰ هزار تومان به اعتبار کالابرگ برخی از مشمولان با شرایط خاص اضافه شود؛ افزایشی که فارغ از میزان اثرگذاري آن در برابر قدرت خرید کم‌تر، با بهانه‌ای دربارۀ دامنه مشمولان و میزان برخورداری خانوارهای کارگري همراه است.

فاطمه مهاجراني، سخنگوی دولت، در توضیح گروه‌های مشمول این افزایش، از اولویت خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی و همچنین خانوارهای واجد شرایط مشابه، از جمله برخی خانوارهای سنفره با درآمد ماهانه کمتر از ۲۰ میلیون تومان و فاقد خودرو و منزل مسکوني شخصی، سخن گفته است. براین اساس، هنوز مشخص نیست چه تعداد از خانوارهای کارگري مشمول افزایش اعتبار کالابرگ خواهند شد و این حمایت تا چه اندازه می‌تواند بر وضعیت معیشتی آن‌ها اثر بگذارد. به نظر می‌رسد اکثریت قریب به اتفاق کارگران بیمه شده و مشمول قانون کار از این افزایش محروم خواهند ماند.

بااین حال، هم‌زمان با مطرح شدن افزایش کالابرگ، برخی اظهارنظرها از سوی محافل اقتصادی و کارفرمایی، این حمایت را به موضوع افزایش دستمزد پیوند می‌زنند؛ گویی افزایش اعتبار کالابرگ می‌تواند بر ضرورت افزایش مزد کارگران بکاهد. این در حالی است که تعیین دستمزد و حمایت‌های جبرانی دولت، دو موضوع مستقل با مبنای و کارکردهای متفاوت است. افزایش یارانه یا کالابرگ، به‌ویژه در شرایطی که همه خانوارهای کارگري را دربرنمی‌گیرد، نمی‌تواند جایگزین

تعیین دستمزد متناسب با هزینه‌های زندگی شود. در همین رابطه، محسن باقری، عضو گروه کارگري در شورای عالی کار، با تأکید بر ضرورت تفکیک سیاست‌های حمایتي دولت از فرآیند تعیین دستمزد، معتقد است یارانه و کالابرگ نباید وارد محاسبات مزدی شوند یا به ابزاری برای محدود کردن افزایش دستمزد تبدیل شوند. او همچنین با اشاره به افزایش هزینه‌های معیشت، آثار تورمی سیاست‌های اقتصادی و کاهش قدرت خرید مزدبگیران، براین نکته تأکید دارد که مبنای تعیین دستمزد باید همچنان الزامات ماده ۴۱ قانون کار و هزینه‌های واقعی زندگی خانوارهای کارگري باشد. ضمن اینکه مطابق مصوبه سال ۱۴۰۵ دستمزد باید ترمیم شود و طبق آنچه در آن مصوبه آمده بود، این اتفاق باید تا قبل از نیمه دوم سال می‌افتاد.

باقری با تأکید بر اینکه نباید یارانه و کالابرگ را با دستمزد کارگران پیوند زد، تصریح کرد: ما در جلسات گذشته به این جمع بندی رسیدیم که در این موضوع به شکلی ورود نکنیم که بعداً یارانه و کالابرگ به‌عنوان بخشی از دستمزد تلقی شود و آن را وارد محاسبات مزدی کنند. تاکنون نیز نپذیرفته‌ایم که یارانه جایگزین دستمزد شود. وی ادامه داد: همواره این انتقاد از سوی گروه کارگري مطرح بوده که یارانه ارتباطی با حقوق کارگران ندارد و نباید این دو موضوع را به یکدیگر مرتبط کرد. بنابراین، موضع ما روشن است: یارانه و کالابرگ، سیاست‌های حمایتي دولت هستند و نباید به‌عنوان بخشی از دستمزد کارگران محاسبه شوند یا بهانه‌ای برای منتهی کردن افزایش مزد قرار بگیرند.

این فعال کارگري در واکنش به اظهارنظرهایی مبنی براینکه افزایش یارانه و کالابرگ می‌تواند ضرورت افزایش دستمزد را کاهش دهد، گفت: درباره مواضع برخی افراد از گروه کارفرمایی باید به اظهارات و عملکرد رسمی آن‌ها نیز توجه کرد. تا جایی که ما مشاهده کرده‌ایم، برای کارفرمایان استان تهران در مصاحبه‌های خود از افزایش دستمزد حمایت کرده و بر ضرورت تحقق آن تأکید داشته است. کانون عالی کارفرمایی نیز در جلسات شورای عالی کار همراهی‌هایی با ما داشته است. ازاین رو، مشخص نیست برخی اظهارنظرهای مخالف از کجا مطرح می‌شوند و چرا انگاهان بحث ربط دادن یارانه با افزایش دستمزد به میان آمده است.

وی در ادامه با اشاره به دامنه محدود مشمولان افزایش کالابرگ

مواجه‌اند و ممکن است حتی مشمول این حمایت‌ها هم نباشند. وی در ادامه، با اشاره به سیاست اعلام‌شده دولت درباره انتقال حمایت‌ها از ابتدای زنجیره تأمین به انتهای زنجیره مصرف اظهار کرد: قرار بود با اجرای این سیاست، حمایت‌ها به شکلی انجام شود که در نهایت به بهبود رفاه مردم منجر شود. اما آنچه در عمل مشاهده می‌کنیم، با این هدف فاصله دارد. در شرایطی که هزینه‌های تولید و قیمت کالافا افزایش یافته، مبلغی که به خانوار پرداخت می‌شود در برابر هزینه‌ای که به آن‌ها تحمیل شده، ناچیز است. اگر قرار است خانوار مبلغی دریافت کند اما چند برابر آن را در اثر افزایش قیمت‌ها بپردازد، اتفاقی که امروز شاهد آن هستیم- نمی‌توان نام این را سیاست حمایتي گذاشت.

باقری با اشاره به اظهارات پیشین مسئولان اقتصادی درباره روند تورم گفت: در جلسات مربوط به دستمزد، اسامال، از جمله جلسه نهایی در وزارت کار، آقای مدنی زاده عنوان کرده بود که افزایش تورم در دی‌ماه تا حدی ناشی از آثار روانی بوده و از بهمن ماه روند تورم نزولی خواهد شد. ما در همان زمان این پرسش را مطرح کردیم که چگونه می‌توان انتظار کاهش تورم را داشت، درحالی که قیمت مواد اولیه چند برابر شده و برای نمونه، قیمت روغن نیز افزایش قابل توجهی داشته است.

وی ادامه داد: در آن مقطع (اسفند سال قبل)، ما هشدار دادیم که افزایش هزینه مواد اولیه و کالاهای اساسی می‌تواند در ماه‌های بعد فشار تورمی بیشتری ایجاد کند. حتی پیش‌بینی خود را درباره احتمال بروز تورم بسیار بالا در ماه‌های بعد، از جمله در گروه‌های خوراکی و کالاهای مصرفي، مطرح کرده بودیم. این تحلیل را در همان زمان در مصاحبه‌ها و محافل مرتبط با حوزه کارگري نیز بیان کردیم. اکنون نیز با توجه به اتفاقاتی که در بازار رخ داده، نگرانی ما درباره آثار تورمی این سیاست‌ها همچنان پابرجاست.

این فعال کارگري با بیان اینکه افزایش یارانه لزوماً به معنای افزایش قدرت خرید نیست، تصریح کرد: کارگران و سایر مزدبگیران درآمد مشخصی دارند، اما هزینه‌های زندگی آن‌ها متناسب با این درآمد افزایش نمی‌یابد و قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، میزان پوشش هزینه‌های خانوار از محل حداقل دستمزد به‌شدت محدود شده است. وقتی دستمزد دیگر پاسخگوی بخش قابل توجهی از هزینه‌های ماهانه نیست، افراد ناچار می‌شوند ساعات‌های بیشتری کار کنند یا چند شیفت کاری داشته باشند تا بتوانند حداقل‌های زندگی را تأمین کنند. این وضعیت نشان‌دهنده عمق فشار معیشتي بر خانوارهای کارگري است.

باقری در بخش دیگری از سخنان خود، در مطرح شدن ارتباط یارانه و دستمزد در مذاکرات مزدی گفت: در برخی محافل کارشناسی و اقتصادی دولت، به‌ویژه در مباحث مرتبط با وزارت اقتصاد، گاهی این موضوع مطرح شده که حمایت‌های کالابرگی می‌توانند در کنار دستمزد مورد توجه قرار گیرند. در دولت قبل نیز چنین بحث‌هایی مطرح می‌شد و ما شاهد بودیم که این رویکرد چگونه می‌تواند بر روند تعیین حقوق کارگران اثر بگذارد.

وی ادامه داد: بااین حال، تا جایی که ما اطلاع داریم، وزارت کار تاکنون این موضوع را به‌عنوان یک مؤلفه مستقل و الزام‌آور در محاسبات دستمزد مطرح نکرده است. ممکن است در برخی اظهارنظرها به آن اشاره شود، اما موضوع اصلی در تعیین دستمزد باید همان معیارهای قانونی و هزینه‌های زندگی خانوار کارگري باشد. ما تأکید داریم که کالابرگ نباید وارد محاسبات دستمزد شود و به ابزاری برای محدود کردن افزایش دستمزد تبدیل شود.

باقری در پایان خاطرنشان کرد: مسئله اصلی، معیشت کارگران و فاصله روزافزون میان درآمد و هزینه‌های زندگی است. حمایت‌های دولتي از اقشار نیازمند، الزامی است و باید در خود انجام شود. اما این حمایت‌ها نمی‌تواند مسئولیت دولت در زمینه اجرای قانون کار و تعیین دستمزد متناسب با هزینه‌های زندگی را از بین ببرد. دستمزد باید بر اساس قانون و واقعیت‌های معیشتي خانوارهای کارگري تعیین شود؛ بایستی هر چه زودتر در راستای اجرای مصوبه‌های دستمزد کارگران ترمیم شود.

فرهاد فلاحي، رئیس پژوهشکده انتقال و توزیع پژوهشگاه نیرو، ضمن بیان اینکه مسئله ناترازی انرژی تنها با افزایش ظرفیت تولید حل نمی‌شود، گفت: این هدف نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هم‌زمان در حوزه توسعه منابع، مدیریت مصرف و تغییر الگوی استفاده از حامل‌های انرژی است. افزایش به‌دوروی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود نیز باید هم‌زمان با توسعه زیرساخت‌های جدید مورد توجه قرار گیرد. فرهاد فلاحي، رئیس پژوهشکده انتقال و توزیع پژوهشگاه نیرو، در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد اظهار کرد: ناترازی انرژی به یکی از چالش‌های مهم کشور تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که علاوه بر محدودیت‌های مدیریتی، به‌دوروی مصرف، بهره‌وری تجهیزات و الگوی استفاده از حامل‌های انرژی نیز ارتباط دارد. در چنین شرایطی، اتکال صرف به توسعه ظرفیت‌های جدید نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای کوتاه‌مدت باشد؛ زیرا بسیاری از پروژه‌های بزرگ انرژی برای رسیدن به مرحله بهره‌برداری، به زمان و سرمایه‌گذاری قابل توجهی نیاز دارند. ازاین رو، برنامه‌ریزی برای عبور از ناترازی باید ترکیبی متوازن از اقدامات کوتاه‌مدت و راهکارهای توسعه‌ای بلندمدت را در بر گیرد. فلاحي با اشاره به زمان‌بر بودن توسعه زیرساخت‌های انرژی بیان کرد: احداث نیروگاه‌های بزرگ، توسعه میادین نفت و گاز و ایجاد زیرساخت‌های جدید، فرآیندی چندساله است و نمی‌تواند به‌تنهایی مشکلات کوتاه‌مدت را برطرف کند. حتی پس از تصمیم‌گیری برای اجرای یک پروژه، فاصله‌های زمانی میان مراحل طراحی، تأمین مالی، اجرا و بهره‌برداری موجب می‌شود ظرفیت جدید در کوتاه‌مدت تأثیر محدودی بر کاهش فشار وارنده بر سامانه انرژی داشته باشد. رئیس پژوهشکده انتقال و توزیع پژوهشگاه نیرو ادامه داد: ما بنابراین، سیاست‌گذاری انرژی باید در کنار برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت، راهکارهایی را دنبال کند که در بازه زمانی کوتاه‌مدت امکان کاهش مصرف و فشار فشار وارنده بر شبکه برق و سایر زیرساخت‌های انرژی را فراهم سازد. فلاحي با تأکید براینکه افزایش تولید به‌تنهایی پاسخ‌گوی مسئله ناترازی نیست، اظهار داشت: مدیریت مصرف و بهینه‌سازی انرژی باید هم‌زمان با توسعه منابع جدید مورد توجه قرار گیرد. بخش ساختمان، تجهیزات سرمایشی و گرمایشی، صنایع و سایر حوزه‌های مصرف‌کننده، ظرفیت قابل توجهی برای کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری دارند. اصلاح الگوی مصرف در برخی موارد می‌تواند به‌اندازه توسعه منابع جدید، در کاهش فاصله میان عرضه و تقاضای انرژی مؤثر باشد.

اخبار



کارگران در انتظار ترمیم مزد و کالابرگ

محمدرضا تاجیک، فعال کارگري با اشاره به افزایش هزینه‌های زندگی و بی‌تلاکویی در خواست بازنگری دستمزد کارگران گفت: با وجود گذشت یک هفته از ارسال نامه نمایندگان کارگري شورای عالی کار به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هنوز خبری از تشکیل جلسه فوق‌العاده این شورا منتشر نشده است؛ این در حالی است که هزینه‌های خانوار افزایش یافته و قدرت خرید کارگران بیش از گذشته تحت فشار قرار گرفته است.

وی افزود: اگر هزینه سبد معیشت خانوارهای کارگري با تورم شهریورماه به‌روزسانی شود، برآورد‌ها نشان می‌دهد این رقم از ۶۵ میلیون تومان فراتر می‌رود. در محاسبه هزینه‌های زندگی، مسکن سهم بزرگی از درآمد کارگران را به خود اختصاص می‌دهد و پس از پرداخت اجاره و هزینه‌های مرتبط با آن، بخش محدودی از درآمد برای تأمین خوراک، درمان، حمل‌ونقل و دیگر نیازهای ضروری باقی می‌ماند. تاجیک با اشاره به افزایش بهای خوراکی‌ها و اقلام معیشتي اظهار کرد: رشد قیمت‌ها در برخی کالاهای اساسي بوده که گاهی باور آن دشوار است. در مواردی افزایش قیمت یک قلم کالا به حدود ۲۵ درصد رسیده و همین جهش‌ها تأمین مایحتاج روزمره را برای خانوارهای کارگري دشوارتر کرده است. در چنین شرایطی، افزایش اسمی دستمزد یا کمک‌های حمایتي، اگر با سرعت رشد هزینه‌ها متناسب نباشد، نمی‌تواند به‌تنهایی شکاف معیشتي را جبران کند. وی ادامه داد: از سوی دیگر، مشاهدات میداني نشان می‌دهد پیامک افزایش اعتبار کالابرگ برای بسیاری از کارگران ارسال نشده است؛ کارگري که بخش قابل توجهی از آنان برای تأمین نیازهای اولیه زندگی با مشکل روبه‌رو هستند. هرچند تورم از قدرت خرید کالابرگ نیز گامسته، این اعتبار همچنان می‌تواند بخشی از هزینه‌های خانوار را پوشش دهد و محروم ماندن افراد نیازمند از آن، فشار بیشتری بر زندگی آنان وارد می‌کند.

این فعال کارگري با بیان اینکه مشکلات معیشتي کارگران به یک حوزه محدود نیست، گفت: فشار هم‌زمان هزینه مسکن، خوراک و دیگر نیازهای روزمره، توان مالی خانوارها را کاهش داده است. گزارش‌های میداني نیز از دشواری کارگران در تأمین سبد معیشت حکایت دارد؛ ازاین رو، هم بازنگری در دستمزد و هم دسترسی خانوارهای واجد شرایط به حمایت‌هایی مانند کالابرگ اهمیت دارد. تاجیک با اشاره به نامه هفته گذشته نمایندگان کارگري در شورای عالی کار اظهار کرد: نمایندگان کارگري در نامه‌ای خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با استناد به ماده ۱۶۸ قانون کار و بند ۵ مصوبه مرد ۱۴۰۵، خواستار برگزاری فوری جلسه فوق‌العاده شورای عالی کار شدند. پایان مهلت بازنگری سبد معیشت در شهریورماه و افزایش هزینه‌های زندگی، از دلایل مطرح‌شده برای ضرورت تشکیل این جلسه است. وی افزود: بازنگری دستمزد، بررسی دوباره سبد معیشت خانوارهای کارگري و اقدام فوری شورای عالی کار از محورهای اصلی این درخواست است. نمایندگان کارگري هشدار داده‌اند که ادامه کاهش قدرت خرید می‌تواند فشار معیشتي بر کارگران را تشدید کند. با این حال، تاکنون خبری از برگزاری جلسه منتشر نشده و باید دید وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به این درخواست چه تصمیمي خواهد گرفت.



فرآیند تعیین قیمت تمام شده خودرو معیوب است

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، ضمن انتقاد از نحوه تعیین قیمت تمام شده بدون راستی آزمایی فاکتورهای ارائه شده توسط خودروسازان، گفت: متأسفانه وزارت صمت، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و شورای رقابت به وظایف خود در حوزه خودرو به درستی عمل نمی‌کنند. مصطفی طاهري در انتقاد به گران فروشی ایران خودرو، گفت: بر اساس یک فرمول کلی قیمت تمام شده به علاوه سود حق هر تولیدکننده است و اگر کسی متنگران مهم شود، به‌دیهات اقتصاد را انکار کرده است.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامي، ادامه داد: بحث کنونی ما پیرامون تعارض منافع و صحت قیمت تمام‌شده‌ای است که خودروساز اعلام می‌کند که معتقدیم فرآیند تعیین قیمت تمام شده خودروها در کشور معیوب است چراکه فاکتورهای که ایران خودرو ارائه می‌دهد، تأیید می‌شود بدون اینکه برای راستی آزمایی به ابتدای زنجیره تأمین خودرو برگردن ضمن اینکه بخشی از قطعات هم توسط گروز تأمین می‌شود. این فرآیند در حالی راستی آزمایی نمی‌شود که ممکن است لیست قیمت‌های ارائه شده چند درصد بالاتر از قیمت واقعی درج شده باشد. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم، خاطر نشان کرد: با توجه به شرایط کشور خودروساز می‌تواند اولویت‌هایی را در نظر بگیرد که اینک سود کمتری ببرد و در ازای آن سرمایه اجتماعی خود را با جلب رضایت مشتری حفظ کند که متأسفانه در عملکرد ایران خودرو مشاهده نمی‌شود. وی با اشاره به تأثیر تحریم خودروسازان در افزایش قیمت خودروها، اظهار کرد: قطعاً تحریم در قیمت خودروها اثرگذار است اما عمق آن محل بحث است چراکه نحوه واردات قطعات با زمان قبل از تحریم متفاوت است اما باید راستی آزمایی شود که چه میزان در قیمت‌ها اثرگذار بوده است.

طاهري یادآور شد: هم‌اکنون وظیفه وزارت صمت، شورای رقابت و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است که باید به این روند رسیدگی کنند و اجازه ندهند در حق مردم اجحاف شود.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامي، در انتقاد به نحوه ارائه گزارش توسط وزارت صمت پیرامون وضعیت حوزه خودرو، تأکید کرد: البته روند فعالیت وزارت صمت در حوزه خودرو به عنوان تنظیم‌گر نیز معیوب است چراکه در حالی گزارش‌های ناقص ارائه می‌دهد که باید اطلاعات دقیقی در این حوزه داشته باشد، همچنین سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان باید جزئیات نحوه قیمت‌گذاری خودروها را داشته باشد و شورای رقابت هم باید در این حوزه پاسخگو باشد اما متأسفانه هیچ کدام از این مجموعه‌ها به وظایفشان در حوزه خودرو به درستی عمل نمی‌کنند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات در مجلس گفت: مجلس در شرایط جنگی به فعالیت خود ادامه داد و حتی در دوره‌ای که فعالیت‌ها به شکل الکترونیکی یا نیمه‌الکترونیکی انجام می‌شد، کار متوقف نشد. در آن شرایط، فعالیت‌ها با تشریفات کمتر و در فضایی چابک‌تر دنبال شد و نمایندگان نیز بدون تشریفات زائد به انجام وظایف خود می‌پرداختند.

نبی‌الله محمدی، با اشاره به افزایش حجم نقدینگی در کشور و آثار تورمی آن، گفت: افزایش نقدینگی تحت تأثیر عوامل مختلفی رخ داده که از جمله آن‌ها می‌توان به سوءمدیریت‌های داخلی در بخش اقتصادی، شرایط تحریمی و جنگ اشاره کرد. هر دو عامل داخلی و خارجی در این روند مؤثر بوده‌اند، اما نکته مهم این است که افزایش تورم تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟ به هر حال، باید در نقطه‌ای این روند مهار شود و پس از آن، سیاست‌ها به سمت کاهش تورم حرکت کند.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس با اشاره به برآورد خود از حجم نقدینگی کشور براساس سهم سپرده‌های استان زنجان از سپرده‌های کل کشور، افزود: اخیراً آماري منتشر شد که بر اساس آن، در پایان خردادماه، ۶ درصد از سپرده‌های کشور در استان زنجان قرار داشته است؛ با اتکا به این سهم و تبدیل آن به کل سپرده‌های کشور، به عددی بیش از ۲۰ هزار همت رسیدیم؛ این در حالی است که حجم نقدینگی در بهمن‌ماه حدود ۱۴ هزار و ۶۰۰ همت اعلام شده بود.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس ادامه داد: این ارقام نشان می‌دهد که حجم نقدینگی با سرعت در حال افزایش است. به اعتقاد من، دولت برای جبران کسری بودجه و محدودیت‌های موجود، به سمت افزایش پایه پولی و خلق پول حرکت کرده است؛ روندی که می‌تواند خسارت‌های زیادی به اقتصاد وارد کند و به همین دلیل، بسیار نگران‌کننده است. در هر صورت، باید برای متوقف کردن این روند چاره‌اندیشی شود.

کوک‌سازی دولت‌و انگاری تصدی‌گری‌ها؛ راهکار کاهش اتلاف منابع

محمدی با بیان اینکه دولت‌مردان می‌توانند از مسیرهای مختلفی برای پیشگیری از تداوم این وضعیت اقدام کنند، نخستین راهکار را کوک‌سازی دولت و واگذاری فعالیت‌های قابل برون‌سپاری دانست و اظهار کرد: هر اندازه فعالیت‌ها برون‌سپاری شود دولت

تداوم چاپ پول برای جبران کسری بودجه، تبعات سنگین دارد



از تصدی‌گری فاصله بگیرد، امکان کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع بیشتر خواهد شد. برای نمونه، باید بررسی کرد که وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نیرو یا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چه تعداد شرکت زیرمجموعه دارند. بخشی از این شرکت‌ها و فعالیت‌های می‌توانند از طریق واگذاری و غیردولتی شدن، از ساختار تصدی‌گری دولت خارج شوند و زمینه کاهش هزینه‌ها و استفاده بهینه از منابع را فراهم کنند.

این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از تجربه اداره کشور در شرایط جنگی، گفت: مجلس در شرایط جنگی نیز به فعالیت خود ادامه داد و حتی در دوره‌ای که فعالیت‌ها به شکل الکترونیکی یا نیمه‌الکترونیکی انجام می‌شد، کار متوقف نشد و آن شرایط، فعالیت‌ها با تشریفات کمتر و در فضایی چابک‌تر دنبال می‌شد و نمایندگان نیز بدون تشریفات زائد به انجام وظایف خود می‌پرداختند. از این رو دولت باید از الگوهایی که در دوران دفاع مقدس و جنگ تجربه شده است، برای اصلاح ساختار اداری کشور بهره بگیرد و به سمت حذف تشریفات و کاهش هزینه‌های غیرضروری حرکت کند. این تجربه نشان می‌دهد که می‌توان با ساختاری چابک‌تر نیز وظایف را انجام داد و از تحمیل هزینه‌های اضافی به کشور جلوگیری کرد.

محمدی، مولدسازی دارایی‌های دولت را دومین محور ضروری



سقوط حاشیه سود پالایش نفت در اروپا از ۵۴ دلار به ۳ دلار

حسین هدایتی

افزایش قیمت نفت خام و جهش هزینه حمل و نقل دریایی در پی جنگ ایران، سودآوری پالایشگاه‌های اروپا و آسیا را به شدت کاهش داده است. حاشیه پالایش نفت در شمال غرب اروپا از ۵۴ دلار به ازای هریشکه در ابتدای سپتامبر به منفی ۱۱ دلار در پنجم اکتبر سقوط کرد و سپس به حدود ۳ دلار رسید. در آسیا نیز هزینه حمل، بیش از ۸۰ درصد حاشیه ناخالص پالایش را جذب می کند؛ درحالی که پالایشگاه‌های آمریکا به دلیل دسترسی به نفت داخلی، وضعیت سودآوری دارند. فایننشال تایمز در گزارشی به تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶ اعلام کرده است که افزایش قیمت خرید نفت خام و هزینه بی سابقه حمل و نقل نفتکش ها، سودآوری پالایشگاه‌های اروپایی را به شدت کاهش داده و احتمال کاهش تولید آنها را افزایش داده است. براساس داده‌های مؤسسه LSEG، شاخص حاشیه سود پالایش نفت در شمال غرب اروپا از ۵۴ دلار برای هر بشکه در ابتدای سپتامبر به منفی ۱۱ دلار در پنجم اکتبر رسید و در زمان انتشار گزارش در سطح حدود ۳ دلار قرار داشت. افزایش قیمت نفت خام تنها عامل این وضعیت نیست. اختلال در تجارت دریایی تنگه هرمز و افزایش هزینه اجاره نفتکش ها باعث شده قیمت نفت تحویلی به پالایشگاه‌های بیش از شاخص های معاملاتی نفت افزایش یابد. به نوشته فایننشال تایمز، قیمت شاخص فیزیکی نفت برنت طی یک ماه بیش از ۱۲ درصد افزایش یافته، درحالی که رشد قراردادهای آتی نزدیک مدت آن در همان دوره تنها ۱.۲ درصد بوده است. از سوی دیگر، افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی به یک اندازه نبوده است. هر چند قیمت گازوئیل و سوخت هواپیما به شدت افزایش یافته، قیمت بنزین، نفتا و نفت کوره نتوانسته متناسب با هزینه خرید نفت خام رشد کند. آرتاجا که پالایشگاه‌ها امکان تغییر سریع و گسترده ترکیب محصولات تولیدی خود را ندارند، افزایش سود برخی فرآورده‌ها نتوانسته کاهش حاشیه سود سایر محصولات را به طور کامل جبران کند.

هزینه حمل و نقل، عامل اصلی فشار بر پالایشگاه‌های آسیایی

رویتز نیز در تحلیل ۱۹ اکتبر گزارش داده است که پالایشگاه‌های آسیایی با وجود احای نسبی صادرات نفت خام فورمیان، همچنان تحت فشار شدید هزینه‌های واردات قرار دارند. در شرایط معمول، حمل و نقل و بیمه حدود ۳۰٪ تا ۴۰ درصد قیمت نفت تحویلی را تشکیل می دهد، اما این سهم برای برخی پالایشگاه‌ها اکنون به ۴۰ درصد رسیده است. برای نمونه، هزینه انتقال نفت خام از نیجریه به سنگاپور به حدود ۲۲ دلار برای هریشکه افزایش یافته که تقریباً هشت برابر سطح پیش از جنگ است. براساس محاسبات مؤسسه Hilo Analytics، میانگین حاشیه ناخالص پالایش در آسیای اکتبر حدود ۴۰ دلار برای هریشکه بوده، اما پس از کسر متوسط هزینه حمل نزدیک به ۳۳ دلار، تنها کمی بیش از ۷ دلار باقی مانده است. به این ترتیب، هزینه حمل معادل ۸۲ درصد حاشیه ناخالص پالایش را جذب می کند. افزایش هزینه واردات می تواند پالایشگاه‌ها را به کاهش ظرفیت تولید یا استفاده بیشتر از ذخایر نفت خام سوق دهد. این وضعیت علاوه بر کاهش عرضه فرآورده‌ها، تقاضای وارداتی نفت خام را نیز محدود می کند. به همین دلیل، برخی تولیدکنندگان فورمیان به برای حفظ مشتریان خود ناچار به ارائه تخفیف‌هایی تا ۳۰ دلار برای هریشکه شده‌اند.

برخلاف پالایشگاه‌های اروپا و آسیا، بخش مهمی از پالایشگاه‌های آمریکا به نفت خام تولید داخل دسترسی دارند و کمتر تحت تأثیر جهش هزینه حمل و نقل بین المللی قرار گرفته‌اند. گزارش اکتبر آژانس بین المللی انرژی نیز تأیید می کند که در شرایط کاهش شدید حاشیه پالایش در اروپا و آسیا، دسترسی پالایشگاه‌های آمریکایی به خوراک ارزان تر موجب افزایش قابل توجه سودآوری آنها شده است. آژانس بین المللی انرژی پیش بینی کرده است که میزان پالایش نفت خام در جهان طی اکتبر به کف فصلی ۸۱.۲ میلیون بشکه در روز برسد. این نهاد هشدار داده که تداوم کاهش حاشیه سود می تواند پالایشگاه‌های کم‌بازده اروپا و آسیا را به کاهش بیشتر تولید وادار کند و کمبود فرآورده‌های نفتی را تا پایان سال تشدید نماید. در نتیجه، جنگ ایران و اختلال در تنگه هرمز علاوه بر افزایش قیمت جهانی نفت، هزینه تأمین خوراک پالایشگاه‌ها را به شدت تغییر داده است.

اندیشکده آمریکایی:

حملات کم هزینه انصارالله سرمایه گذاری عربستان را تهدید می کند

اندیشکده آمریکایی استیمسون در گزارشی تأکید کرده است که انصارالله یمن با استفاده از تسلیحات نسبتاً کم هزینه، فشار اقتصادی نامتناسبی به عربستان تحمیل می کند. هزینه بالای دفاع مستمراز زیرساخت‌ها، اختلال در فعالیت فرودگاه‌ها و تضعیف اطمینان سرمایه‌گذاران، برنامه‌های توسعه اقتصادی عربستان را با چالش مواجه کرده و برتری تسلیحاتی ریاض نتوانسته است این فشار را برطرف کند. اندیشکده آمریکایی استیمسون در گزارشی به قلم کریستیان الکساندر، منتشرشده در ۲۰۲۶، به بررسی دلایل ناتوانی عربستان در مهار حملات انصارالله یمن با وجود برتری گسترده نظامی پرداخته است. این گزارش تأکید می کند که اختلاف هزینه میان تسلیحات تهاجمی انصارالله و سامانه‌های دفاعی عربستان، در کنار آسیب‌پذیری اقتصادی زیرساخت‌های این کشور، به یکی از عوامل مؤثر در تداوم فشار بر ریاض تبدیل شده است. به نوشته استیمسون، عربستان باید به صورت مستمر از فرودگاه‌ها، شهرها، تأسیسات انرژی و پایگاه‌های نظامی خود در سرزمینی گسترده محافظت کند، درحالی که انصارالله می تواند زمان و محل حملات را انتخاب کند. استفاده از پهپادهای ارزان قیمت و موشک‌های مختلف، عربستان را ناچار به استفاده از سامانه‌های دفاعی گران قیمت می کند و هزینه‌های قابل توجهی به طرف مقابل تحمیل کند. البته اندیشکده استیمسون رقم مشخصی برای هزینه هر حمله یا رهگیری ارائه نکرده و تأکید دارد که هنوز نمی توان ناگامی اخیر یافتند عربستان را ناشی از کمبود مهمات دانست. استیمسون حملات اخیر به فرودگاه بین المللی ملک خالد ریاض را نشانه‌ای از گسترش فشار جنگ به مرکز اقتصادی و سیاسی عربستان ارزیابی کرده است. به اعتقاد نویسنده، پیامد‌های اقتصادی چنین حملاتی به خسارت فیزیکی محدود نمی شود؛ زیرا شرکت‌های هواپیمایی، مسافران، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی مستقل از میزان خسارت، درباره خطر ادامه فعالیت در عربستان تصمیم‌گیری می کنند.

شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵ ۱۳ جمادی الاول ۱۴۴۸ ۲۴ October ۲۰۲۶ سال سوم شماره ۵۸۸

چاپخانه: نگار نقش تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

مدیر مسئول: مهدی مهرپور



تورم ۸۰ تا ۱۳۰ درصدی کالاهای اساسی حتی با افزایش حقوق‌ها و کالا برگ هم قابل جبران نیست

گزارش

قیمت هاست؛ یعنی جدای از اینکه قرار است چه میزان کالا برگ پرداخت کنیم، حقوق‌ها را چقدر افزایش دهیم و چه حمایت‌های دیگری در نظر بگیریم، ابتدا باید این روند را متوقف کنیم. با این میزان رشد و نرخ تورم ۸۰ درصدی یا ۱۲۰ درصدی در کالاهای اساسی و مواد غذایی، هرچقدر هم کالا برگ یا حقوق‌ها را افزایش دهیم، در نهایت امکان جبران وجود ندارد.

وی ادامه داد: البته من واقعاً بعید می‌دانم که دولت امسال برنامه‌ای برای اصلاح حقوق و مواردی از این دست داشته باشد؛ حداقل تا این لحظه چیزی در این زمینه نشنیده‌ام. اما می‌خواهم بگویم حتی اگر بخواهید حقوق‌ها را افزایش دهید، این افزایش در حد ۲۰ درصد، ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد خواهد بود، درحالی که تورم ۸۰ تا ۹۰ درصد است و عملاً امکان جبران این فاصله وجود ندارد.

زنگنه خاطرنشان کرد: وظیفه اول دولت، سیاست‌گذار و قانون‌گذار این است که در نهایت راهکاری برای اصلاح این روند رشد و بی ثباتی قیمت‌ها پیدا کند. مادر جلساتی که برگزار می‌شود، درباره این موضوعات بحث می‌کنیم. در حال حاضر، دو مسئله اصلی در کشور داریم؛ یکی تورم بالا و بی ثباتی بازار و دیگری افزایش بی‌رویه قیمت ارز که برای این مسائل باید در نهایت راهکاری وجود داشته باشد. علم اقتصاد و مسائل روز برای هر دردی، راه‌حلی دارند.

بخش اقتصادی دولت دست خود را بالا برده و پذیرفته که با تورم ۸۰ یا ۹۰ درصدی مواجه هستیم

وی بیان کرد: برداشت من از جلسات که در آن حضور داریم، تقریباً این است که مجموعه دولت یا شاید بتوان گفت دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران، این روند را به نوعی طبیعی تلقی کرده و پذیرفته‌اند! این مسئله بسیار بدی است؛ به این معنا که عملاً بخش اقتصادی دولت دست خود را بالا برده و پذیرفته است که با تورم ۸۰ تا ۹۰ درصدی مواجه هستیم و قیمت ارز هم به تبع آن همچنان افزایش پیدا می‌کند، این وضعیت را به عنوان یک امر قطعی پذیرفته‌اند. این عضو کمیسیون برنامه و بودجه ادامه داد: در قبال این تورم، افزایش قیمت ارز و بی ثباتی بازار است که نمی‌توانیم آن را درمان

کنیم و نمی‌دانیم چگونه از مردم دفاع و حمایت کنیم؛ برای مثال، چگونه کالا برگ را افزایش دهیم و اقدامات دیگری مانند افزایش حقوق انجام دهیم. به نظر من، اگر نتوانیم برای بخش اول، یعنی مهار روند رشد قیمت‌ها، راهکاری پیدا کنیم، سیاست‌های ما در بخش دوم هم مؤثر نخواهد بود و مردم تأثیر این اقدامات را احساس نخواهند کرد.

وی خاطرنشان کرد: در این زمینه، آقای قالیباف در مجلس و پس از بحث‌هایی که انجام شد، جمع‌بندی کردند که برای این مسائل واقعاً باید مقداری بیشتر وقت بگذاریم و دولت، مجلس، کارشناسان و نخبگان با هم بنشینند و تدبیری بیندیشند. بدون اینکه بخواهیم وارد دعوی مجلس و دولت شویم، باید این مسئله را حل کنیم. اگر دولت، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد برای این موضوع راهکاری نداشته باشند، عملاً روزبه‌روز ثروت واقعی جامعه کاهش پیدا می‌کند؛ همان‌طور که از سال ۱۳۹۰ تاکنون، درآمد واقعی مردم کاهش قابل توجهی داشته است.

وزارت اقتصاد ۱۵ پیشنهاد برای حمایت از مردم و تأمین منابع بودجه آماده کرده است

رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی افزود: بحث دوم جلسه این بود که در این شرایط، تا زمانی که راهکارهای اصلی به نتیجه برسند، چه اقداماتی باید انجام دهیم تا بتوانیم معیشت مردم و سایر مسائل را پیش ببریم. همان‌طور که عرض کردم، وزارت اقتصاد تقریباً

۱۵ پیشنهاد آماده کرده است که قرار شد درباره این پیشنهادها به صورت جزئی تر صحبت شود.

وی درخصوص پیشنهادهای وزارت اقتصاد برای حمایت از مردم، عنوان کرد: یکی از این پیشنهادها، انتشار گواهی‌های سپرده نقدی بود تا بتوانند نفتی را که اکنون شاید با کاهش صادرات مواجه شده، اما همچنان یک ثروت بالقوه است، به کار بگیریم. همچنین قرار است ذخایر نفتی خود را به پشتوانه گواهی تبدیل کنیم و بتوانیم گواهی‌های سپرده ایجاد کنیم. موضوع دیگر، مولدسازی از طریق ایجاد بونیت‌هایی بود که بتوانیم آن‌ها را در قالب صندوق‌هایی عرضه کنیم؛ یعنی افرادی که قصد سرمایه‌گذاری دارند، در حوزه‌های مختلف وارد شوند تا از این طریق هم مولدسازی انجام شود و هم منابع دولت تأمین شود.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: همچنین بر فروش سهام شرکت‌های دولتی تأکید شد. موضوعاتی مانند اصلاح نظام معافیت‌های مالیاتی و موارد دیگر هم مطرح شد. همان‌طور که مستحضرد، ما امسال حدود ۳۰ هزار همت منابع مالیاتی داریم، مواردی از این قبیل مطرح شد تا بتوانیم در نهایت شرایط لازم را برای تأمین منابع بودجه امسال فراهم کنیم.

فروپاشی اقتصادی ایران به دلیل ساختار اقتصاد و جغرافیای کشور تقریباً غیرممکن است

وی در پاسخ به این که اکنون یک نکته مطرح است؛ با توجه به اینکه در شرایط جنگی قرار داریم و فشار اقتصادی هم بسیار زیاد است، دشمنان ادعای فروپاشی اقتصادی کشور را مطرح می‌کنند، تحلیل شما چیست؟ با واقعاً با توجه به شرایط کشور، چنین اتفاقی رخ می‌دهد یا برای آن تدبیری اندیشیده شده است، گفت: اصولاً فروپاشی اقتصادی معنایی دارد و باید شرایطی ایجاد شود که بتوان گفت فروپاشی اقتصادی اتفاق افتاده است. من به عنوان یک کارشناس و نه به عنوان یک مقام سیاسی می‌گویم که واقعاً امکان فروپاشی اقتصادی برای اقتصاد ایران عملاً به دلیل نوع ساختار اقتصاد و جغرافیای آن شاید غیرممکن باشد. زنگنه افزود: برای مثال، با وجود تمام تحریم‌ها، محاصره‌ها و مسائلی که پیش آمده است، در شش ماهه اول سال تقریباً بیش از ۸۰ درصد درآمد‌های نفتی ما محقق شده است. همچنین وجود ۱۸ کشور همسایه، چه همسایگان زمینی و چه همسایگان آبی که از طریق دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس با آن‌ها ارتباط داریم، عملاً امکان محاصره یا بسته شدن اقتصاد را به شکلی که بتوان گفت امکان‌پذیر است، با محدودیت مواجه می‌کند.

وی تأکید کرد: نوع اقتصاد کشور، یک اقتصاد تاب‌آور است. البته من معتقدم که حتی تورم و قیمت ارز را هم می‌توان با تدابیری مدیریت کرد؛ اما باید روش خود را تغییر دهیم و شیوه‌هایمان را متناسب با شرایط کشور اصلاح کنیم و با بحث فروپاشی اقتصادی نداریم. با توجه به شرایط کشور در حوزه جنگ، اگر نگاه کنید، اسمال تحقق منابع نسبت به سال گذشته وضعیت بهتری دارد. اما تورم و قیمت ارز به اعتقاد من، این مسائل بیش از آنکه به تحریم و مسائل دیگر مانند جنگ ارتباط داشته باشد، که البته نمی‌توان گفت بی‌ارتباط است اما سهم عمده آن به نوع سیاست‌گذاری وابسته است و امیدواریم بتوانیم با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و تجربه سایر کشورها، به دولت کمک کنیم.

یکی از نکاتی که در آنجا مطرح شد، این بود که مادر حوزه معیشت با دو مسئله مواجه هستیم؛ مسئله اول، توقف یا کاهش روند رشد قیمت‌هاست؛ یعنی جدای از اینکه قرار است چه میزان کالا برگ پرداخت کنیم، دهیم و چه حمایت‌های دیگری در نظر بگیریم، ابتدا باید این روند را متوقف کنیم

نیزی می‌تواند انگیزه تعدیل تحریم را ایجاد کند. البته این مسئله به معنای بی‌اهمیت بودن مذاکره نیست؛ بلکه نشان می‌دهد قدرت چانه‌زنی اقتصادی می‌تواند بر نتیجه مذاکرات و تصمیم‌های تحریمی اثر بگذارد.

در همین چارچوب، استمرار اختلال در تجارت انرژی از تنگه‌ها نتوانسته هزینه‌های اقتصادی فشار بر ایران را حده به آمریکا و سایر اقتصادهای جهان منتقل کند؛ هرچند این فشارها برای اقتصاد ایران و کشورهای منطقه نیز هزینه‌های قابل توجهی داشته است.

بی ثباتی سیاست‌های ترامپ و افزایش نااطمینانی جهانی

تصمیم اخیر ترامپ از جنبه دیگری نیز اهمیت دارد. قانونی که کمتر از یک ماه قبل برای تشدید فشار اقتصادی بر روسیه تصویب و امضا شده بود، اکنون پیش از اجرای بخش مهمی از محدودیت‌هایش با معافیت‌ها مواجه شده است.

این تغییرات سریع، پیش‌بینی‌پذیری سیاست تجاری و تحریمی آمریکا را کاهش می‌دهد. شرکت‌های تجاری، پالایشگران، سرمایه‌گذاران و کشورهای خریدار انرژی نمی‌توانند با اطمینان مشخص کنند محدودیت‌های اعلام‌شده واشنگتن چه مدت برقرار می‌ماند یا چه زمانی دوباره اعمال خواهند شد. در نتیجه، سیاست‌های دولت ترامپ علاوه بر آژاژ مستقیم جنگ و تحریم، از مسیر افزایش نااطمینانی نیز بر اقتصاد جهانی فشار وارد می‌کنند. هزینه این بی‌ثباتی می‌تواند در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، قراردادهای بلندمدت انرژی، هزینه تأمین مالی و تغییر مسیرهای تجاری ظاهر شود. توقف اجرای تحریم‌های جدید روسیه نمونه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی آمریکا در شرایط بحران انرژی است. این تحول نشان می‌دهد اختلال در تنگه‌ها علاوه بر تأثیر مستقیم بر بازار نفت، می‌تواند هزینه استفاده واشنگتن از ابزارهای تحریمی در سایر عرصه‌های سیاست خارجی را نیز افزایش دهد.



هزینه اعمال محدودیت‌های اقتصادی آمریکا علیه سایر صادرکنندگان انرژی است. واشنگتن در شرایطی که بازار نفت و فرآورده‌ها با کمبود عرضه مواجه است، برای محدود کردن صادرات روسیه با دشواری بیشتری روبه‌رو شده؛ زیرا تشدید این محدودیت‌ها می‌تواند فشار قیمت انرژی بر اقتصاد خود آمریکا را نیز افزایش دهد. این تحول نشان می‌دهد تحریم یک ابزار یک طرفه و بدون هزینه نیست. هرگاه هزینه حفظ محدودیت‌های اقتصادی برای کشور تحریم‌کننده افزایش یابد، انگیزه بازنگری در آنها نیز بیشتری می‌شود. از منظر ایران، این تجربه اهمیت تغییر محاسبات اقتصادی طرف مقابل را نشان می‌دهد. رفع تحریم لزوماً به توافق سیاسی وابسته نیست و افزایش هزینه اجرای آن یا کاهش اثربخشی محدودیت‌ها

بحران انرژی و تغییر محاسبات واشنگتن

این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که اختلال در تنگه هرمز و کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی، بازار جهانی انرژی را با فشار سابقه‌ای مواجه کرده است. قیمت نفت برنت در پایان معاملات ۱۱۶ اکتبر به حدود ۱۱۰ دلار برای هریشکه رسید و قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا نسبت به پیش از جنگ به ترتیب حدود ۶۸ و ۶۵ درصد افزایش یافته است. با وجود بازیابی بخشی از صادرات نفت خام کشورهای خلیج فارس، صادرات فرآورده‌های نفتی منطقه در سپتامبر تنها به ۱.۹ میلیون بشکه در روز رسید؛ در حالی که پیش از جنگ ۴.۷ میلیون بشکه بود. آژانس بین‌المللی انرژی هشدار داده است که کمبود جهانی گازوئیل ممکن است تا سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند. در چنین شرایطی، دولت امریکا طی هفته‌های اخیر به اقداماتی روی آورده که با رویکرد تحریمی پیشین

افزایش قیمت جهانی نفت و فرآورده‌های نفتی در نتیجه جنگ افروزی آمریکا علیه ایران، واشنگتن را به تجدید نظر در بخشی از سیاست‌های تحریمی خود واداشته است. دونالد ترامپ در تازه‌ترین اقدام، اجرای تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی علیه بزرگ‌ترین خریداران نفت و گاز روسیه و تعرفه ۵۰۰ درصدی بر کالاهای روسی را معاف کرد. این تصمیم در کنار توافق برای افزایش عرضه گازوئیل روسیه و بررسی استفاده از نفتکش‌های تحریم‌شده، نشان می‌دهد اختلال در تنگه هرمز هزینه حفظ فشار اقتصادی آمریکا بر سایر کشورها را نیز افزایش داده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا روز ۱۱۶ اکتبر با صدور فرمانی اجرایی، اعمال بخش عمده‌ای از تحریم‌ها و تعرفه‌های پیش‌بینی‌شده در قانون جدید تحریم روسیه و ایران، موسوم به قانون کراهام، را متوقف کرد. این قانون که ۱۸ سپتامبر امضا شده بود، مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی گسترده علیه روسیه و کشورهای خریدار انرژی آن را در نظر گرفته است.

براساس این قانون، تعرفه اضافی ۵۰۰ درصدی بر کالاهای وارداتی آمریکا از روسیه و تعرفه ۱۰۰ درصدی بر واردات کالا از پنج کشور بزرگ خریدار نفت و گاز روسیه پیش‌بینی شده بود. همچنین پنج کشور اصلی تسهیل‌کننده در وزن تحریم‌های نفتی روسیه مشمول تعرفه‌های اضافی می‌شدند.

ترامپ با استناد به اختیارات قانونی خود و با اعلام اینکه اجرای این محدودیت‌ها در شرایط فعلی با منافع ملی آمریکا سازگار نیست، بخش عمده آن‌ها را معاف کرد. این تصمیم به معنای لغو تحریم‌های پیشین روسیه نیست و معافیت‌ها تا زمان تصمیم بعدی دولت آمریکا برقرار خواهند بود.

مارکو ربویو، وزیر امور خارجه آمریکا، نیز اعلام کرده ترامپ قصد دارد طی ۶۰ روز آینده آثار اقتصادی اجرای این تحریم‌ها را بر اقتصاد آمریکا و جهان بررسی کند. او به دشواری مدیریت هم‌زمان بحران انرژی ناشی از جنگ ایران و جنگ اوکراین اشاره کرده است.